



عنوان درس:

انسان در پیشگاه خدا

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده

مرییان، ائمه جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



قرآن

فهرست

- ۲ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
- ۳ نقطه اتكاء فقط او است
- ۳ ذکر صیغه جمع در «نعبد» و «نستعين»
- ۴ در برخورد نیروها از او کمک می گیریم



إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

اینجا سر آغازی است برای نیازهای بنده و تقاضاهای او از خدا، و در حقیقت لحن سخن از اینجا عوض می‌شود، زیرا آیات قبل حمد و ثنای پروردگار و اظهار ایمان به ذات پاک او و اعتراف به روز قیامت بود.

اما از اینجا گویی «بنده» با این پایه محکم عقیدتی و معرفت و شناخت پروردگار، خود را در حضور او، و در برابر ذات پاکش می‌بیند، او را مخاطب ساخته نخست از عبودیت خویش در برابر او، و سپس از امدادها و کمکهای او سخن می‌گوید: (تنها ترا می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌جویم) «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

به تعبیر دیگر: هنگامی که مفاهیم آیات گذشته در جان انسان جای گیرد، و اعماق وجودش به نور الله، پرورش دهنده جهانیان روشن می‌شود، و رحمت عام و خاص او و مالکیتش در روز جزا را درک می‌کند، انسان به صورت یک فرد کامل از نظر عقیده در می‌آید، این عقیده عمیق توحیدی نخستین ثمره‌اش از یک سو بنده خالص خدا بودن، و از بندگی بت‌ها و جباران و شهوات در آمدن، و از سوی دیگر، دست استمداد به ذات پاک او دراز کردن است.

در واقع آیات گذشته از توحید ذات و صفات سخن می‌گفت و در اینجا سخن از توحید عبادت، و توحید افعال است.

توحید عبادت آنست که هیچکس و هیچ چیز را شایسته پرستش جز ذات خدا ندانیم تنها به فرمان او گردن نهیم، تنها قوانین او را به رسمیت بشناسیم و از هر نوع بندگی و تسلیم در برابر غیر ذات پاک او بپرهیزیم.

توحید افعال آنست که تنها مؤثر حقیقی در عالم را خدا بدانیم «لا مؤثر فی الوجود الا الله» نه اینکه عالم اسباب را انکار کنیم و به دنبال سبب نرویم بلکه معتقد باشیم که هر سببی هر تاثیری دارد، آن هم به فرمان خدا است، او است که به آتش سوزندگی، و به خورشید روشنایی و به آب حیات بخشی داده است.

ثمره این عقیده آن است که انسان تنها متکی به «الله» خواهد بود، تنها قدرت و عظمت را مربوط به او می‌داند، و غیر او در نظرش فانی، زوال‌پذیر، و فاقد قدرت می‌باشد.

تنها ذات الله قابل اعتماد و ستایش است، و لیاقت این دارد که انسان او را تکیه گاه خود در همه چیز قرار دهد.

این تفکر و اعتقاد انسان را از همه کس و همه موجودات بریده و تنها به خدا پیوند می‌دهد، حتی اگر به دنبال عالم اسباب می‌رود نیز به فرمان او است یعنی در لابلای اسباب، قدرت خدا را که «مسبب الاسباب» است مشاهده می‌کند.

این عقیده آن قدر روح انسان را وسیع و افق فکر او را بالا می‌برد که به بی‌نهایت و ابدیت می‌پیوندد و از محیطهای محدود آزاد و رها می‌سازد.

نقطه اتکاء فقط او است

طبق آنچه در ادبیات عرب خوانده‌ایم هنگامی که «مفعول» بر «فاعل» مقدم شود، معنی حصر از آن استفاده می‌گردد، و در اینجا مقدم شدن کلمه «ایاک» بر «نعبد» و «نستعین» دلیل بر انحصار است و نتیجه آن همان توحید عبادت و توحید افعالی است که در بالا بیان کردیم. حتی در عبودیت و بندگی خود نیز احتیاج به کمک او داریم، و در این راه نیز باید از او استعانت جست، مبدا گرفتار انحراف و عجب و ریا و اموری مانند اینها بشویم که عبودیت ما را پاک در هم می‌ریزد. به تعبیر دیگر در جمله اول که می‌گوئیم تنها تو را می‌پرستیم کمی بوی استقلال دارد، بلافاصله با جمله «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» آن را اصلاح می‌کنیم و آن حالت «بین الامرین» (نه جبر و نه تفویض) را در عبارت خود مجسم می‌سازیم و الگویی خواهد بود برای همه کارهای ما.

ذکر صیغه جمع در «نعبد» و «نستعین»

و همچنین آیات بعد که همه به صورت جمع است نشان می‌دهد که اساس عبادت مخصوصاً نماز بر پایه جمع و جماعت است، حتی به هنگامی که بنده در برابر خدا به راز و نیاز بر می‌خیزد باید خود را میان جمع و جماعت ببیند، تا چه رسد به سایر کارهای زندگیش. به این ترتیب هر گونه فردگرایی، و تکروی، انزواطلبی و مانند اینها مفاهیمی مردود از نظر قرآن و اسلام شناخته می‌شود.

مخصوصاً نماز، از اذان و اقامه گرفته، که دعوت به اجتماع برای نماز است «حی علی الصلاة» تا سوره حمد که آغازگر نماز است، السلام علیکم که پایان آن است همه دلیل بر این است که این عبادت در اصل جنبه اجتماعی دارد، یعنی باید به صورت جماعت انجام شود، درست است که نماز فرّادی نیز در اسلام صحیح است اما عبادت فردی جنبه فرعی و درجه دوم را دارد.

در برخورد نیروها از او کمک می‌گیریم

بشر در این جهان با نیروهای مختلفی روبرو است، هم از نظر نیروهای طبیعی، و هم از نظر نیروهای درون ذاتی خود. برای اینکه بتواند در برابر عوامل مخرب و ویرانگر و منحرف کننده، مقاومت کند احتیاج به یار و مدد کاری دارد، اینجا است که خود را در زیر چتر حمایت پروردگار قرار می‌دهد، همه روز از خواب بر می‌خیزد، و با تکرار جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اعتراف به عبودیت پروردگار کرده و از ذات پاک او برای پیروزی در این مبارزه بزرگ کمک می‌گیرد، و شامگاهان نیز با تکرار همین جمله سر به بستر می‌نهد، با یاد او بر می‌خیزد و با یاد و استمداد از وجود او به خواب می‌رود و خوشا به حال کسی که به چنین مرحله‌ای از ایمان برسد، در برابر هیچ گردنکشی و زورمندی سر تعظیم فرود نمی‌آورد، در مقابل جاذبه مادیات خود را نمی‌بازد، همچون پیامبر اسلام می‌گوید: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»: نماز و عبادتم، مرگ و حیاتم همه از آن خداوند است که پروردگار جهانیان است (انعام-۱۶۲).

إِيَّاكَ نَعْبُدُ: پس از قرائت آیه گذشته، توجه می‌شود که از هر جهت بواسطه و بی‌واسطه، خداوند متعال مالک و مسلط به او بوده، و او مملوک مطلق و عبد تمام و خالص در جهت تکوین، و ادامه زندگی، و تهیه وسائل بقاء است.

و در این حال از هر چیزی که تصور می‌شود منصرف گشته، و تنها به خداوند رحمن و رحیم که مالک حقیقی و مسلط ظاهری و باطنی بر او بوده، و همه وسائل و اسباب زندگی او بدست او است، توجه پیدا کرده، و با معرفت و خلوص قلب می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».